



### نمایش آثار بهرام دبیری در موزه هنرهای معاصر

نمایشگاه آثار منتخب بهرام دبیری، نقاش سرشناس معاصر کشور با عنوان «به آینده سپرده شد»، از امروز در موزه هنرهای معاصر تهران، پذیرای هنردوستان است. این نمایشگاه پیاپس همراهی و قدردانی موزه هنرهای معاصر از بهرام دبیری است که حاصل فعالیت هنری ۵۰ ساله خود شامل مجموعه‌ای از نقاشی‌ها، طراحی‌ها، اسناد، پوسترها و دفتر چ‌ها را به این نهاد فرهنگی و هنری اهدا کرده است. آثاری که قرار است در نمایشگاه عرضه شوند، شامل ۶۵ اثر از برهه‌های مختلف کاری این نقاش است و در آن مضامینی چون اسطوره، عشق و خشونت دیده می‌شوند. آن گونه که حسین گنجی، نمایشگاه‌گردان آثار دبیری در موزه هنرهای معاصر به ایسنا گفته، آثار این هنرمند با نگاه مفهومی و روایتی چیدمان یافته‌اند. او همچنین گفته، بهرام دبیری آثار خود را امانتی دانسته که باید به صاحبان اصلی‌اش یعنی مردم سپرده شود. نمایشگاه «به آینده سپرده شد» از امروز تا ۲۵ آذرماه ۱۴۰۴ در موزه هنرهای معاصر تهران برگزار می‌شود.



### هیچ مقام محلی حق لغو کنسرت ندارد

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی از لغو خودسرانه وبی‌پشتوانه قانونی برنامه‌های فرهنگی، به‌همانه‌های مختلف و از سوی چهره‌ها و مقام‌های مختلف، انتقاد کرده و گفته که هیچ کس-اعم از استاندار و فرماندار تا امام‌جمعه و روحانی یا بزرگ محل- حق ندارد به‌صورت سلیقه‌ای کنسرت یا دیگر رویدادهای فرهنگی را لغو کند. عبدالحسین خسروپناه در گفت‌وگو با ایسنا به ضرورت پایبندی به قانون در حوزه فرهنگ تأکید کرده و چنین گفته است: «هیچ کس فراتر از قانون نیست. کسی نمی‌تواند اجازه اجرای یک برنامه را به‌دلیل اینکه خلاف شرع می‌داند یا نمی‌پسندد، ندهد. قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی در هر موضوعی اعم از موسیقی یا... خطرناک است.» او افزوده، فرهنگ قانون‌گرایی باید در جامعه نهادینه شود و اگر کسی با قانونی مخالفت دارد، باید از مسیر قانونی برای تغییر آن اقدام کند.



### شب زرین کوب و آریان در دانشگاه تهران

نهاد هفت‌گمین شب از مجموعه شب‌های بخارا به گرمیداشت دکتر عبدالحسین زرین کوب و همسر فرهیخته‌اش دکتر قمر آریان اختصاص دارد. زرین کوب از چهره‌های ماندگار ادب و اندیشه ایران است؛ پژوهشگری که با نگاهی ژرف و انتقادی به میراث فرهنگی و ادبی ایران از پایه‌گذاران نهضت نوین فرهنگی ایران در سده اخیر به‌شمار می‌رود. دکتر قمر آریان نیز -هم‌درس و هم‌سفر او در زندگی و اندیشه- از استادان برجسته دانشگاه و نویسنده و مترجمی صاحب‌نام بود که نقش مهمی در گسترش دانش و فرهنگ داشت. در شب عبدالحسین زرین کوب و قمر آریان، محمود درگاهی، روزبه زرین کوب، حبیب‌الله عباسی، محمود فتوحی ودمعجسی، روح‌الله هادی و علی دهباشی درباره زندگی و آثار این دو چهره ماندگار سخن خواهند گفت. این نشست امروز از ساعت ۱۷ در تالار علامه اقبال آشتیانی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران برگزار می‌شود.

### فرهنگ

# ممنوع اما زنده

## نگاهی به تاریخ شکل‌گیری موسیقی رپ در ایران که همچنان از مجرای غیررسمی فعالیت می‌کند

عکس: Getty Images



سما بابایی

روزنامه‌نگار و نویسنده

چندی قبل خبر دادند که «محمدرضا شایع» نخستین چهره‌ی جریان رپ‌فارسی است که با به‌صحنه‌ی رسمی کشور می‌گذارد. رسانه‌ای که این خبر را منتشر کرد، چنان با اطمینان سخن گفت که حتی از «اخذ تمام مجوزهای رسمی»، «کد صادرشده از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» و «آغاز تمرین‌های ارکسترو امضای قراردادی با یک کمپانی بزرگ موسیقی» هم خبر داد. اما در این سال‌ها آن قدر خبرهایی از این‌دست آمده و آن قدری تکذیب شده که آدم جدی‌اش نگیرد. تنها ساعاتی بعد از انتشار خبر، خود شایع در استوری اینستاگرامی‌اش نوشت: «متونی شناسین خدایی؟ آخه رپری که بره مجوز بگیره، پرره؟ رپی که سانسور بشه، ریه؟» و با همین چند جمله، تکلیف را روشن کرد. راست هم می‌گوید. مجوز و موسیقی رپ؟ شوخی عجیبی است؛ چراکه ذات موسیقی رپ در تمام دنیا، با نوعی پدیدارشناسی نافرمانی همراه است و هنوز تنها ژانری است که خطر می‌کند، می‌پرسد و در چنین شرایطی تن‌دادن به اجراهای رسمی، انکارِ هویتِ یک هنرمند رپ‌خوان به‌دست خودش است.

از این گذشته، اگر از درآمد‌های میلیاردی برگزاری کنسرت بگذریم، یک خواننده‌ی رپ شناخته‌شده، حاضر است جهان زیرزمینی آزاد، خام و عصبانگر خود را با ساختار رسمی و قانون‌مداری که در آن، هر واژه باید از صافی مجوز عبور کند، عوض کند؟ شما باشید این کار را انجام می‌دهید؟ شاید کسی بگوید، آن همه پولی که خواننده‌ها از کنسرت‌ها درمی‌آورند، می‌تواند وسوسه‌کننده باشد؛ اما مسئله‌ی مالی هم به‌شکلی قابل جبران است، کافی است نگاهی به یوتیوب خواننده‌های رپ بیاندازید و ببینید که آهنگ‌هایی چون «باور کن» (باس)، «دیوونه بازی» (زنبازی) و «یه روز خوب میاد» (هیچ کس) از ۳۰ تا ۵۰ میلیون بازدید داشته‌اند و همچنان بازدید می‌گیرند و این یعنی درآمدِ سرشاری که نصیب صاحبان اثر می‌شود. صفحه‌ی اسپاتیفای همین آقای محمدرضا شایع هم بیش از دو میلیون شنونده‌ی ماهانه دارد که برای هنرمندی فارسی‌زبان، رقمی بسیار بالاست. خب این هم از این. پس تکلیف مشخص است، موسیقی رپ در ایران هیچ‌گاه صاحب‌تریبونی رسمی نمی‌شود و از آن مهم‌تر خواننده‌های رپ، خودشان این‌تربیین را نمی‌خواهند و آن را پس می‌زنند، می‌بینند؟ این سبک، آیینهای تمام‌وکمال از تناقض‌های فرهنگی و ساختارهای قدرت است. اما شایعه‌ی دریافت مجوز توسط شایع، بهانه‌ای شد برای اینکه نگاهی به روند موسیقی هیپ‌هاپ در ایران بیاندازیم.

#### ▼ تولید یک ژانر

ایران دهه‌ی ۷۰ در آستانه‌ی دگرگونی بود و جامعه در حال پوست‌اندازی. پس از دو دهه‌ی مذهب و سرشار از انضباط ایدئولوژیک، حالا نسلی تازه به جوانی رسیده بود که زاده‌ی انقلاب و جنگ بود؛ اما نه در انقلاب شریک بود و نه تجربه‌ی حضور در جبهه‌های جنگ را داشت، اما سایه‌ی آن دو اتفاق را بر شانه‌های خود احساس می‌کرد و تمام زندگی‌اش متأثر از آن بود. در آن سال‌ها، نسلی جوان اما خسته سربرآورد که، نه می‌توانست چون پدران خویش به شکوه گذشته‌ی خود تکیه کند، نه به آینده‌ی وعده‌داده‌شده‌ای دل ببندد که جریان رسمی در پی تبلیغ آن بود. این نسل، فرزندان عصر ویدئوهای قاچاق، ماهواره‌های پنهان بر بام‌ها و اتصال‌های کند اینترنت دایال‌آپ بود و می‌کوشید و گاه کوشش طاقت‌فرسایی داشت برای آن که میان ارزش‌های رسمی و واقعیتی که می‌زیست، معنایی تازه بیابد. در این بستر،



موسیقی نیز آرام‌آرام چهره عوض می‌کرد و جوانان نیز دنبال صدایی تازه می‌گشتند. صدایی که از آن خودشان باشد. موسیقی در آن سال‌ها، آکنده از تغزل و سازبندی‌های استخوان‌دار بود (مانده بود که به ابتدال کنونی برسد). موسیقی تفکربرانگیز سنتی با آن چهره‌های دور از دسترس‌اش و از آن طرف خواننده‌های پاپ با ظاهر اتوکشیده‌شان، دیگر جوابگوی نسل تازه‌ای نبودند که دهه‌ی تاریک ۶۰ را پشت سر گذاشته بود و در آزادی نسبی دوران اصلاحات، فرصتی برای بیان خشم و عصبان خود یافته بود. آنچه پیش‌تر تنها در قالب نغمه‌های پاپ مجاز یا موسیقی سنتی کنترل شده می‌گنجید، دیگر پاسخگوی خشم، شور و بی‌قراری جوانان نبود. از دل همین بی‌قراری، رپ‌فارسی به‌صورت طبیعی سر برآورد و خوانندگان رپ، کار خود را آغاز کردند؛ صدایی خام، خیابانی و صادق که نخست در پارک‌ها شکل گرفت، سپس روی سی‌دی‌ها به‌شکل دستی کپی شد و پس از مدتی در وبلاگ‌های ناشناس منتشر شد.

▼ **حاصل یک نضاد از زندگی واقعی و خوانش رسمی**
رپ در ایران، از تضاد میان «زندگی واقعی» و «نمای رسمی» زاده شد. رپ‌های ایرانی از روزمرگی سرکوب‌شده می‌گفتند: از فشار اجتماعی، تبعیض، ناامیدی، عشق‌های پنهان و البته از رؤیای راهپی. آن‌ها می‌خواستند دنیایی را روایت کنند که در رسانه‌های رسمی جای نداشت. رپ‌فارسی به مخاطبان اجازه می‌داد تا از خود بی‌صدا و بی‌نماینده‌شان سخن بگویند. اگر رپ آمریکایی صدای تبعیض نژادی بود، رپ فرانسوی صدای مهاجران آفریقایی و رپ عربی پژواک «بهار عربی»، رپ‌فارسی صدای زندگی در جامعه‌ای سانسورشده و در حال دگرگونی تلقی می‌شود.

تا اواسط دهه‌ی ۸۰ محبوبیت این ژانر روزبه‌روز بیشتر می‌شد و «رپ» توانست زبان خاص خود که ترکیبی از فارسی، انگلیسی و واژگان خیابانی بود را به‌دست آورد و بر ارزش‌های خاصی چون صداقت، رفاقت، ضدریا بودن و مقاومت در برابر قدرت تأکید داشت. همچنین طرفداران این ژانر پوشش و استایل هیپ‌هایی (هودی، کتان، زنجیرهای کلفت و کلاه) را چون نمایندگان خارجی خود انتخاب کردند؛ اما از میانه‌ی دهه‌ی ۸۰ به‌بعد، تنوع در مضامین رپ‌فارسی گسترش یافت و توانست در فضای فرهنگی ایران هویت‌های تازه بیافریند.

حالا چنددهه از آن روزگار گذشته و این موسیقی همچنان در همان جایی ایستاده که در همان روزهای آغازین‌اش بود و هنوز که هنوز است، هم این موسیقی و هم خالقان‌اش در برزخی مدام معلق مانده‌اند: «همچنان ممنوع‌اند و همچنان معترض». این سبک از همان ابتدا، چالشی را برای حکومت پدید آوردند که در این سال‌ها نیز ادامه دارد. جریان رسمی، نه می‌تواند این موسیقی را به‌رسمیت بشناسد، نه می‌تواند آن را خاموش کند. در این سال‌ها خیلی از رپ‌رها مهاجرت کردند، صدای برخی‌شان خاموش شد، چندیابی‌شان به زندان افتادند و بازداشت شدند؛ اما این جریان همچنان در حال ادامه‌ی «مقاومت پنهان» خود است و برای همین است که ما نیز حالا ۲۶ سال پس از شنیده‌شدن نخستین موسیقی‌های رپ، داریم درباره‌ی آن می‌نویسیم و آن را از منظر تاریخ قریب ۳۰ ساله‌اش بررسی می‌کنیم:

#### ▼ اینترنت و زایش روزافزون رپ

در آن سال‌هایی که رپ‌فارسی کار خود را آغاز کرد، هم‌زمان با گسترش آرام و محدود اینترنت دایل‌آپ در ایران بود و نسلی از نوجوانان و جوانان شهری با جهانی تازه روبه‌رو شدند؛ جهانی که در همان سال‌ها بود که گروهی دیگر با نگاهی متفاوت سر برآوردند؛ زیدازی، سهراب ام‌جی، سیجیل، علیرضا جی‌جی و مهرداد هیدن. آنان رپ را از فضای اعتراض به عرصه‌ی تفریح، خودآرایی و لذت کشاندند و اگر چه کلام‌شان بی‌پرده‌تر بود؛

با میکروفن‌های ساده، نرم‌افزارهایی چون Cool Edit، Fruity Loops و Audacity آغاز کردند و فایل‌های MP۳ حاصل کارشان را در وبلاگ‌ها و تالارهای گفت‌وگو چون، PersianRap.com، Bia۲Rap، MajidOnline یا فروم‌های عمومی که در آن کاربران، شعرها و آهنگ‌ها را میان خود به اشتراک می‌گذاشتند، منتشر کردند. در روزگاری که سرعت دانلود یک آهنگ سده‌قیقه‌ای گاه نیم‌ساعت طول می‌کشید، این شبکه‌های مجازی کوچک، نقش «رادیوی زیرزمینی» را برای جوانان دهه‌شصتی بازی می‌کردند. با گسترش نسل دوم اینترنت در نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۱۳۸۰، تحولی اساسی در تولید و توزیع رپ‌فارسی رخ داد. شبکه‌های اشتراک فایل، وب‌سایت‌های بازگذاری موسیقی و بعدها شبکه‌های اجتماعی مانند YouTube، Facebook و SoundCloud مرز میان تولیدکننده و مخاطب را از میان برداشتند. دیگر لازم نبود برای پخش اثر، باناش یا رسانه‌ای مذاکره شود؛ کافی بود آهنگ در وب‌سایت یا صفحه‌ی شخصی آپلود شود تا در چند ساعت، هزاران نفر آن را بشنوند. این تغییر ساختار، قدرت در رپ‌فارسی را تثبیت کرد.

در این فضای تازه، هویت دیجیتال رپ‌رها شکل گرفت و صفحات گفت‌وگو در شبکه‌های اجتماعی تبدیل به میدان رقابت، همکاری و حتی درگیری‌های گفتمانی شدند. بحث‌ها درباره‌ی واقعی بودن، قلو، بیت‌سازی و محتوا خود بخشی از فرهنگ رپ‌فارسی را ساختند. در این دوران زبان رپ‌فارسی نیز دیجیتال شد و ازسوی دیگر، اینترنت زمینه‌ساز دموکراتیزه‌شدن تولید موسیقی شد. نسل تازه‌ای از بیت‌سازان و میکس‌کنندگان در خانه‌هایشان، صدا تولید کردند و آن را به رایگان در اختیار رپ‌ها گذاشتند. همکاری‌های آنلاین میان هنرمندان شهرهای مختلف، مثلاً همکاری میان رپ‌های تهران، مشهد و تبریز، ساختار «ملی» تازه‌ای از تولید این موسیقی پدید آورد. در سال‌های بعدتر اما ظهور شبکه‌هایی چون آپارات و تلگرام، امکان سانسور و حذف را دوباره بازگرداند و این تضاد، به بخشی از تجربه‌ی تاریخی رپ‌فارسی بدل شد.

#### ▼ رپ‌رها هر کدام چه می‌گویند؟

ویژگی متمایز رپ‌فارسی، «ترکیب شاعرانه»ی آن است. برخلاف بسیاری از رپ‌های خاورمیانه که مستقیماً به زبان سیاسی سخن می‌گویند، رپ‌فارسی اغلب از نماد، استعاره و لحن فلسفی یا ادبی بهره می‌گیرد. این ویژگی به‌دلیل پیوند تاریخی زبان فارسی با شعر کلاسیک، به‌ریر ایرانی امکانی منحصربه‌فرد داده است و او هم‌زمان می‌تواند صدای خیابان و وارث شعر حافظ و خیام باشد. همین دوتگانگی باعث‌شده رپ‌فارسی گاه به‌گونه‌ای شعر اجتماعی معاصر نیز بدل شود. این سبک اما در عین حال پدیده‌ای چندصدایی و میدان منازعه‌ی گفتمان‌هاست. «رپ خیابانی»، گفتمان صدای فرودستان شهری است؛ جوانانی که میان فقر، تبعیض و بیکاری، به زبان مردم کوچه از زندگی و مرام خود چون غیرت، رفاقت، خانواده‌دوستی، وطن‌پرستی و پایبندی به مرام می‌گویند. برای مثال به این خط از گتته‌ی «هیچ کس» باید توجه داشت: «تو این جنگل آسفتال، قانون قویه، ضعیف پامال.» یاس نیز در آثاری چون «بغض یعنی» و «بد شدم»، تصویری انسانی و اخلاقی از درد اجتماعی ارائه می‌دهد و از آن طرف «حصین» در ترانه‌هایی مانند «فیق فابریک»، زبان صریح خیابان را با شور وفاداری ترکیب می‌کند. درمجموع این گفتمان حامل نوعی اخلاق مردمی فرودستانه است.

برخی دیگر اما به گفتمان اعتراضی و سیاسی را برعهده می‌گیرند. این گفتمان از یک‌سو با مردسالاری، تبعیض جنسیتی و ملی‌گرایی افراطی درمی‌افتد و ازسوی دیگر با نهادهای قدرت و سانسور فرهنگی-سیاسی درگیر می‌شود؛ برای مثال «یه روز خوب میاد»، امیدبه تغییر اجتماعی را با نقد ساختار قدرت در هم آمیخت. اصولاً «هیچ کس» را پدر رپ‌فارسی می‌دانند. او از حوالی سال ۱۳۸۰ فعالیت خود را آغاز کرد و با آلبوم «جنگل آسفتالت» (۱۳۸۵) رپ‌فارسی را میان مخاطبان گسترش داد. این اثر نخستین آلبوم منسجم رپ‌فارسی بود و به‌مثابه‌ی «مانیفست» این جریان تلقی شد. ترانه‌هایی مثل «به‌مشت سرباز»، «اباهاهمیم» و «اجتماعی»، پرچم‌دار پ اعتراضی و اجتماعی ایران شدند.

«هیچ کس» حالا سال‌هاست که مقیم لندن شده و در سال ۲۰۲۳ در لندن با چند هنرمند بریتانیایی همکاری کرد؛ اگرچه مهاجرت، حاشیه‌های شخصی و فعالیت‌های بسیار مورد نقد اخیرش، سبب‌شده تا دیگر آن ترگزادگی سابق را نداشته باشد. پیشرو (رضا ناصری) نیز یکی از مهم‌ترین چهره‌های نسل اول موسیقی رپ در ایران است که کارهایش در همین دسته می‌گنجد. او در ابتدا با گروه فدایی و هیچ کس همکاری داشت. بعدها سبک خاص خودش را با مضامین فلسفی، اجتماعی و گاه سورئال شکل داد. او هم جزو کسانی است که «رپ خیابانی» را در ایران تثبیت کردند آن را به‌سوی تولید حرفه‌ای‌تر، منطقه‌ای و حتی جهانی گرایش داد و مسیری که طی کرد، نشان داد رپ‌فارسی می‌تواند وجهه‌ای تجاری نیز بیابد. فدایی و قاف نیز با زبان خشم و واقع‌گرایی تلخ، از بحران‌های سیاسی، زندان و فقر سخن گفتند. سالومه ام‌بسی، یکی از صداهای زنانه‌ی رپ‌فارسی، نقد فمینیستی و حقوق محور را وارد فضای مردانه‌ی رپ کرد و حتی تلو در برخی فازهای سیاسی-اجتماعی‌اش (مثلاً من باهاش قهرم) لحظاتی از مواجهه‌ی مستقیم با ساختار قدرت را تجربه کرد.

در همان سال‌ها بود که گروهی دیگر با نگاهی متفاوت سر برآوردند؛ زیدازی، سهراب ام‌جی، سیجیل، علیرضا جی‌جی و مهرداد هیدن. آنان رپ را از فضای اعتراض به عرصه‌ی تفریح، خودآرایی و لذت کشاندند و اگر چه کلام‌شان بی‌پرده‌تر بود؛